در تاريخ ۰۷ دی ۱۳۹۰
دروس بيع ـ بدل حيلولة

جلسه 53

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمدلله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

بحث در ادله بدل حيلوله است؛ تا به حال سه دليل را مورد بررسي قرار داديم، در مورد دليل سوم كه قاعده‌ي علي اليد بود، عرض كرديم كه اگر ما باشيم و خود اين حديث علي اليد هيچ ظهور و دلالتي بر بدل حيلوله ندارد. اگر آن راهي را كه امام(رضوان الله عليه) طي كردند و فرمودند ما به حديث علي اليد تمسک كنيم و بگوئيم اين حديث دلالت بر اصل ضمان دارد ولي كيفيت اشتغال عهده مربوط به عقلاست، گفتيم اين اصل مبنا را ما قبول داريم و اساس بسيار صحيحي است و روي اين بيان از انضمام بناي عقلا به حديث علي اليد مي‌توانيم بدل حيلوله را استفاده كنيم.

دليل چهارم بر بدل حيلوله: قاعده لاضرر

دليل چهارم استدلال به قاعده لا ضرر است، ديگر ذهن را از حديث علي اليد و قاعده سلطنت خالي كنيم ببينيم آيا قاعده لاضرر دلالت بر بدل حيلوله دارد؟ عرض كردم امثله‌ي بدل حيلوله زياد است، مثلاً يك كسي مال ديگري را از اينجا به مكه برده و در جاي معيّني گذاشته و به ايران برگشته، تا بخواهد برود و بياورد، يك سال زمان مي‌برد. امثله‌ي بدل حيلوله منحصر به سرقت و دزدي و فرار كردن عبد نيست.

اين امثله‌ي بدل حيلوله زياد است كه يكيش هم همين است، الآن اين غاصب مي‌گويد من مال تو را دارم و تلف هم نشده و از بين نرفته، در مكه يك جاي معيّن گذاشتند سال آينده بايد آن را بياورم، يك سال زمان مي‌برد. آيا اينجا ما مي‌توانيم به قاعده لاضرر تمسّك كنيم بر بدل حيلوله؟ و باز تذكر مي‌دهم بدل حيلوله مثل همان بدل در فرض تلف است، يعني وقتي شما مي‌گوئيد در ظرف تلف بدل اين مال چيست؟ مي‌گوئيم مثل يا قيمت.

بدل حيلوله هم همان مثل يا قيمت مراد است و الا اجرت اين منافع فوت شده‌ي يك سال مورد بحث نيست و الآن نمي‌خواهيم راجع به آن بحث كنيم. مي‌خواهيم بگوئيم اگر اين بدل حيلوله را اين غاصب ضامن نباشد آيا ضرري بر مالك متوجه است يا خير؟

تقريب مرحوم اصفهانی از حديث لاضرر بر بدل حيلوله[1]

مرحوم محقق اصفهاني(اعلي الله مقامه الشريف) فرموده چهار تقريب براي استدلال به لاضرر هست كه غير از تقريب چهارم

مي‌فرمايند بقيه‌ي تقاريب مخدوش است:

تقريب اول اين است كه بگوئيم صبر مالك إلي زمان الوصول ضرري است. عبارت ايشان اين است: «**إن صبر المالك إلي حين الوصول إلي ماله ضررٌ عليه**» بگوئيم همين صبر، اين صبر كردن ضرر براي مالك است، اين بيان اول كه مرحوم سيّد در حاشيه مكاسب وقتي مي‌خواهد به لاضرر تمسّك كند، همين بيان را دارد. خودِ اين صبر ضرري است، آدم يك سال از مالش دور باشد، در فراغ مالش صبر كند، اين صبر ضرري است.

تقريب دوم اين است كه بگوئيم اگر شارع به ضامن بگويد حالا كه اين متعذّر الوصول شد، يجوز لك التأخير في أداء العين، بگوئيم اين ضرري است، بگوئيم شارع اگر بفرمايد كه غاصب بتواند تأخير بيندازد و امتناع از اداء عين داشته باشد، خود اين ضررٌ علي المالك.

تقريب سوم اين است كه بگوئيم «**إنّ امتناع الضامن عن أداء البدل ضررٌ عليه**» اگر ضامن امتناع كند از اداء بدل عين (در دوّمي گفتيم از اداء خود عين امتناع كند اما در سومي مي‌گوئيم امتناع از اداء بدل) اين ضرري است. مرحوم اصفهاني مي‌فرمايد هيچ يك از اينها بيان درستي نيست و حق هم با ايشان است.

تقريب چهارم: آنچه كه ما مي‌توانيم لاضرر را اينجا در ميدان بياوريم اين است كه بگوئيم اگر شارع حكم كند به عدم ضمان ضامن نسبت به بدل در فرض تعذّر، «هذا الحكم ضرريٌ» اگر گفتيم شارع حكم كند در ما نحن فيه به اينكه ضامن و غاصب لا يكون ضامناً لبدل الحيلولة، اين حكم به عدم ضمان ضرري است. اين تقريب پذيرفته است. تقريب‌هاي ديگر عرض كردم اصلاً واضح الفساد است، صبر مالك ضرر باشد، بعضي از مالك‌ها مي‌توانند صبر كنند و بعضي‌ها صبر برايشان مشكل است و ثانياً اصلاً صبر ضرر باشد چيز مالي ندارد، قاعده لاضرر اينگونه موارد كه يك كسي صبر كند و اين صبر برايش ضرري است، پس لازم نيست صبر كند، اينها چيزهايي نيست كه با قاعده لاضرر ارتباط داشته باشد.

ارزيابی

برای پذيرش اين تقريب بايد ملتزم به سه مقدمه باشيم:

اولا ما در سال گذشته در همين بحث ذكر كرديم كه پنج مبنا در تفسير قاعده لاضرر وجود دارد. مبناي مرحوم شيخ اين است كه مي‌فرمايد لاضرر دلالت بر نفي حكم ضرري دارد و ما هم همين را اختيار كرديم. لاضرر مي‌گويد اگر در شريعت يك حكمي من جانب الشارع ضرريِ بر مكلّف باشد شارع آن حكم را برداشته.

ثانياً بگوئيم در لاضرر فرقي بين حكم وجودي و عدمي نيست، آن حكم چه حكم وجودي باشد، اگر وجوب وضو بر يك انسان ضرر دارد شارع مي‌آيد حكم را برمي‌دارد. يا آن حكم، حكم عدمي باشد، حكم به عدم ضمان در ما نحن فيه ضرري است. اگر شارع در اينجا حكم كند به اينكه غاصب ضامن نيست در زمان تعذّر نسبت به اداء بدل حيلوله «الحكم بعدم الضمان ضرريٌ» پس اين مبنا را بايد داشته باشيم كه قاعده لاضرر منحصر در وجوديات نيست بلكه عدميّات را هم شامل مي‌شود.

ثالثا مبناي سوم هم بايد اضافه كنيم كه لعلّ اين مبناي سوم از كلمات امام استفاده مي‌شود و آن اين است كه هيچ راهي براي جبران ضرر غير از بدل حيلوله نباشد، حالا اگر در جاي خودش ثابت كنيم اين غاصب ضامن اين منافع است، منافع در اين يك سال از جيب مالك مي‌رود غاصب ضامن اين منافع است. و اگر اين منافع داده شود ديگر براي مالك ضرري معنا ندارد و سدّ باب ضرر بر مالك مي‌شود. اگر آمديم اين را هم گفتيم، اينجا ديگر نمي‌توانيم از اين بدل حيلوله را استفاده كنيم، استدلال به قاعده لاضرر مبتني است بر اينكه تنها راه جبران ضرر حكم به ضمان بدل حيلوله باشد و الا اگر ضرر اين مالك از راه ديگر جبران شود، اينجا ديگر وجهي براي استدلال به قاعده لاضرر نيست.

استدلال به لاضرر مبتني به سه مبنا شد؛ مبناي اول و دوم را ما قبول داريم. يعني لاضرر دلالت بر نفي حكم ضرري دارد، كما عليه الشيخ، اما روي مبنايي كه خود امام داشت، امام فرمود كه اين لاضرر يك حكم حكومتي است، در زمان رسول خدا(ص) بوده و تمام شده، و روي نظر شريف امام اين را مكرر گفتيم كه ديگر لاضرر بر احكام اوليه حكومت ندارد، لا حرج را امام قبول دارد و مي‌فرمايد لاحرج بر تمام احكام اوّليه حكومت دارد ولي لاضرر به عنوان يك حكم دائميِ شرعيِ إلي يوم القيامه نيست بلكه به عنوان يك حكم حكومتي بوده كه رسول خدا در ايام حكومتشان انجام دادند و نمي‌شود بر ادله اوليه مقدم باشد.

مرحوم والد ما(رضوان الله تعالي عليه) همين نظريه امام را اختيار كرده بودند اما عرض كرديم ظاهر لاضرر همان است كه مرحوم شيخ مي‌گويد كه نفي حكم ضرري دارد، اين مبنا درست است. مبناي دوم كه لاضرر هم در وجوديّات جريان دارد و هم در عدميّات، اين هم درست است. اما اشكال در مبناي سوم است، مي‌گوئيم اگر اين مالك دفع ضررش به اين مي‌شود كه اجرت اين مالش را غاصب در اين مدّت به او بدهد، اينجا ديگر ضرري وجود ندارد، عرفاً نمي‌گويند اين آدم كه مالش مكه است و يك سال هم بايد در مكه بماند برايش ضرري وارد مي‌شود. لذا اين مبناي سوم مشكل پيدا مي‌كند در نتيجه به قاعده لاضرر نمي‌شود تمسّك كرد.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين

بيانات حضرت آيت الله حاج شيخ محمد جواد فاضل لنكراني دامت بركاته

به مناسبت دومين سالگرد حماسه 9 دي در پايان درس خارج فقه (07/10/90)

و اما به مناسبت حادثه تاريخي و مهمي كه در انقلاب ما در دو سال گذشته اتفاق افتاد و آن حضور آگاهانه، حضور همراه با تدبير مردم عزيز كشور ما و آن راهپيمايي بسيار باشكوهي كه در 9 دي انجام دادند و واقعاً اثبات كردند كه مردم ما اگر ببينند در اين نظام افرادي بخواهند مقدّسات دين و نظام را خدشه‌دار كنند به موقع حضور پيدا مي‌كنند. از اين جهت واقعاً بايد خدا را شاكر باشيم كه در زماني قرار گرفتيم كه مردم عزيز ما يك چنين آگاهي فوق العاده دارند.

شما شاهد بوديد كه در محرم سال 88 در روز عاشورا در تهران چه اتفاقي افتاد و چه قضايايي را به وجود آوردند؟ بعد هم بلافاصله در 9 دي مردم نسبت به آن اتفاق‌ها و قضايايي كه به وجود آمده بود جواب محكم و قاطعانه‌اي دادند. به همين جهت هم امروز يك تجمّع بزرگي ان شاء الله برگزار مي‌شود كه حوزويان و عاشوراييان و آنهايي كه دلشان در گرو انقلاب و نظام و اسلام است بايد حضور پيدا كنند و به اين حضور اهميّت بدهند و بايد اين خاطره را زنده نگه داريم.

نهم دي يكي از روزهاي بسيار سرنوشت‌ساز انقلاب ما شد ولو اينكه در انقلاب ما هر روز يك حادثه‌اي، يك حركت و جنبشي بوده است، واقعاً انقلاب ما تاريخ عجيبي شده! الآن خود ما خيلي توجه نداريم كه چقدر حوادث و قضايا يكي پس از ديگري به وجود مي‌آيد و با چه تدبيرهايي و فوق همه‌ي اينها عنايت خداي تبارك و تعالي اين حوادث يكي پس از ديگري مي‌گذرد، اما بعد از صد سال كه تاريخ انقلاب ايران را بنويسند و آن را بررسي كنند مشخص مي‌شود، تاريخ اين مدّت انقلاب با تاريخ‌هاي گذشته قابل مقايسه نيست، تاريخ‌هاي گذشته‌ي ايران مشحون از ظلم و فساد و تعدّي و بطالت و ذلّت و بيچارگي است، حكومت‌هايي كه بودند مردمشان در نهايت ضعف و استضعاف بودند و حتي از جهت فكري بسيار بسيار ضعيف بودند ولي در اين دوراني كه ما داريم به سر مي‌بريم از نظر اينكه يك حكومتي وجود دارد كه بر مبناي اسلام تشكيل شده، بر مبناي ولايت اهل‌بيت و انديشه‌ي ائمه اطهار(ع) تشكيل شده ويژگي و امتياز خاص خود را دارد.

حوزه‌ها و مسئولين دنبال اين هستند كه آنچه را كه اسلام مي‌گويد بفهمند و پياده كنند، البته ممكن است گاهي اوقات هم يك اشتباهاتي بشود، يك جايي فكر كنند كه اسلام اين را مي‌گويد، يا يك جايي كه مي‌دانند اسلام چه مي‌گويد در مقام عمل اشتباه

شود، اين يك امر طبيعي است، اما اساس نظام بر اين است كه واقعاً ما اسلام را هر چه بيشتر بفهميم و پياده كنيم، اين حكومت بسيار حكومت باارزشي است و اصلاً قابل مقايسه با حكومت‌هاي ديگران و حكومت‌هاي گذشته تاريخ ايران نيست و مردم هم اين را به خوبي فهميدند.

مردم فهميده‌اند كه امروز آن جوهره‌ي اصلي كه در كشور و در نظام به وسيله امام بزرگوار و به وسيله خون‌هاي شهدا، تزريق شد جوهره اسلام است، مردم اين را خوب فهميدند! لذا و هر جا مردم ببينند يك حركتي، يك شعارهايي، يك موضع‌گيري‌هايي مقابل با اين جوهره‌ي اصلي نظام باشد و بخواهد اسلاميت نظام را كم‌رنگ و تضعيف كند، به ميدان مي‌آيند.

ما يادمان نرفته كه اساس پيروزي انقلاب ما از همان عاشوراي محرم 57 بود و آن راهپيمايي‌هاي گسترده‌اي كه واقع شد. ما ديديم كه در همين حادثه 88 و فتنه88 آمدند چه حركت‌هايي را انجام دادند كه قلوب عزاداران و متديّنين را جريحه‌دار كردند، افرادي با چه وضعي در خيابان‌هاي تهران ظاهر شدند و پارچه‌هاي عزاداري امام حسين(ع) را به استهزاء كشاندند! حالا ولو بعد يك عده‌اي خواستند بگويند كه اين چنين نبوده ولي واقعاً بود و همه هم ديديم كه اين اتفاق افتاد، اهانت‌هاي ديگري كه واقع شد.

علي أيّ حال روز نهم دي يكي از روزهاي سرنوشت‌ساز تاريخ انقلاب بود و باز ما عنايت خدا و حضور روشن و آگاهانه مردم و تأثير آن ايمان باطني مردم را ديديم و همه ديدند، ببينيد از جمله جلوه‌هايي كه ما تأثير ايمان و اعتقاد مردم را ديديم ايام دفاع مقدس بود، چطور مي‌شود يك انسان حاضر باشد يك فرزند يا چند فرزند او در راه خدا كشته شود، اين اعتقاد به شخص نبوده، اعتقاد به يك نفر مسئول نبوده بلكه اعتقاد به خدا و اسلام و آن ريشه‌هاي ديني بوده كه بحمدالله در مردم ما بسيار بسيار قوي است.

علي أيّ حال ما خاطره اين روز را بايد زنده نگه داريم و بدانيم كه هر چه اين حضور آگاهانه مردم بيشتر است مسئوليّت مسئولين ما بيشتر مي‌شود، مسئولين ما و همه‌ي ما بايد بدانيم اين حضور حماسي مردم، مسئوليت را مضاعف مي‌كند، جاي هر گونه عذر و بهانه براي قصور يا تقصير نسبت به مردم و خدمت به مردم و دين را مي‌بندد! يعني واقعاً مردم حجّت را بر همه تمام كردند، اين خيلي مطلب مهمي است، مسئولين ما، روحانيت، آنهايي كه بالأخره امروز نقشي در اداره اين نظام دارند، حجّت براي آنها از ناحيه مردم تمام است، اگر سر سوزني بي‌توجهي كنند به امور مردم، اگر به فكر رشد و تعالي اين كشور نباشند، در همه جهات، در جهات معنوي، علمي، اقتصادي و .. اينها واقعاً مسئوليت بسيار سنگيني در پيشگاه خدا دارد، ما بايد قدر اين مردم را بدانيم، اين توده‌ي عظيم مردم كه ايمان اينها در روز نوزده دي اينطور تجلي كرد و اين افتخار را براي نظام ما رقم زد و واقعاً يكي از ايّامي كه شهدا و ارواح شهدا بسيار خوشنود شدند، روح امام(رضوان الله تعالي عليه) بسيار شاد شد، اين روز بود و اين حركتي كه مردم عزيز ما انجام دادند.

اميدواريم كه خداي تبارك و تعالي همانطوري كه تا به حال سايه عنايت و لطف و فضل خودش را بر اين انقلاب داشته، كماكان اين عنايت الهي مستمر باشد.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين

****

[1] . «و منها: قاعدة الضرر: إمّا بدعوى أنّ صبر المالك إلى حين الوصول إلى ماله ضرر عليه، كما عن بعض أجلّة المحشين «1»، و إمّا بدعوى أنّ تأخير الضامن أو امتناعه عن ردّ العين ضرر على المالك، و إمّا بدعوى أنّ امتناع الضامن عن أداء البدل ضرر عليه، و إمّا بدعوى أنّ عدم ضمان البدل ما دام التعذّر ضرر عليه، و ما عدا الأخير لا يخلو عن محذور نبّهنا «2» عليه في مسألة المثلي المتعذّر مثله. و أمّا الأخير فمبني على أنّ مفاد القاعدة رفع الحكم الضرري لا رفع حكم الموضوع الضرري، و على شمولها للأحكام العدمية و على عمل الأصحاب بها في المورد لينجبر به وهن دلالتها، لوضوح عدم عملهم بها في نظير المقام، كما إذا لم تكن العين متعذّرة و حال بينها و بين مالكها اختيارا، فإنّه لا يقولون فيه بدفع بدل الحيلولة مع أنّ حاله حال المقام في الضرر، فتدبر» حاشية المكاسب (للاصفهانى)، ج 1، ص 429.